این است آن حضور تاریخی عظیمی که پیش آمده

شماره پرسش: ۴۲۰۰۶

تاریخ ارسال پرسش: ۱۴۰۵/۴/۲۰ ۱۴:۴۸:۱۳

متن پرسش

سلام استاد. نظرتان را درباره متنی که نوشتم، می‌خواستم. □گامِ مُحال. □علی جلالی اصفهانی‌های قدیم اگر می‌دیدند کودکی دستش به طاقچه و بلندی نمی‌رسید که چیزی را بردار، از سر شوخی به او می‌گفتند: «سَرِت را بذار زیر پات، تا قَدِت بلند شه و دستِت برسه!» همین مضمونِ به ظاهر طنزآمیز ولی سراسر حکمت را سعدی چنین گفته است: سعدیا! کنگرهٔ وصل بلندست و هر آنک/ پای بر سر نَنِهد، دستِ وی آن جا نرسد آری وصال در مرتبه بالایی قرار دارد و دستِ کسی به راحتی به آنجا نمی‌رسد. باید قید سَر را زد و سر را زیر پا نهاد و یک پله بالاتر رفت تا به آنجا رسید. ظاهراً در شهادت چنین حکمتی است. مقامی است که جز با جان‌باختن در راه دوست به آن نمی‌توان رسید. اما گاهی یک نفر سرش را زیر پای عزیزانش می‌نهد تا آنها بالا روند. به قول سعدی: سر که نه در پای عزیزان رَوَد/ بارِ گرانی است کشیدن به دوش شهادت رهبری هرچند جانسوز است اما ما را سرافکنده نکرد بلکه حس می‌کنم با این شهادت، همه ملت یک پله بالاتر رفتند. پله‌ای که هر چقدر همه می‌کوشیدیم نمی‌توانستیم از آن بالا برویم. رهبر شهید مثل کوهنوردی باتجربه به ما می‌گفتند: «گام اول را برداشتید و حالا نوبت گام دوم انقلاب است. خطرات راه این‌هاست و پرتگاه‌ها آنجاست. به قله نزدیکیم و باید گامی بلند بردارید!» ولی انگار هر کار می‌کردیم نمی‌شد و نمی‌توانستیم این قدم بعدی را برداریم. انگار این قله وصل خیلی بالاتر از قَدِ ما بود و ما در بُهت و درماندگی مانده بودیم و هاج و واج به هم نگاه می‌کردیم و برخی در دل و برخی به زبان حرفش را انکار می‌کردیم. او که مسیر و قله را می‌دید و ناتوانی ما را، سر در قدم ما عزیزانش نهاد تا قدمان بلند گردد و این پله بعدی را بتوانیم طی کنیم. تا به قله نزدیکتر شویم. او با شهادتش ما را از این راهِ محال عبور داد. پله بعدی که چشم انتظار ما بود، پله بعثت ما بود. ما باید مبعوث می‌شدیم و اکنون جهانیان ما را در پله‌ای دیگر می‌بینند. پله‌ای که باید بر فراز آن، رسالت تاریخی خود را به انجام برسانیم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم : به نکات دقیق و ارزشمندی اشاره فرموده‌اید. حقیقتاً همینطور است که شهادت آن مرد الهی ما را در جایگاهی از تاریخ مان قرار داد که بدون آن شهادت شاید سال‌ها طول می‌کشید و معلوم نبود تا اینجاها قد بکشیم و به چنین بعثتی که این مردم تا مرز خونخواهی از خبیث ترین جبهه و شخص به میان آمده است برسیم ،به هر قیمت که باشد و این است آن حضور تاریخی عظیمی که پیش آمده و از خدا عاجزانه می‌خواهیم تا در درک آن و در حفظ آن ما را یاری

بفرماید .باید از شرایط موجود فهم درستی داشت تا خطای محاسباتی پیش نیاید و لازمه آن صبرو تاب‌آوری و خسته نشدن است و با نظر به اهداف الهی. با مردمی در صحنه انقلاب هستیم که هر کدام در جای خود هسته مقاومت می‌باشند که روی پای خود ایستاده‌اند با شایستگی کامل و این است عامل امیدواری ما نسبت به آینده تمدنی که در پیش است، با ایرانی قدرتمند و قدسی که همدیگر را نیز می‌فهمیم . موفق باشید